



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 2100 – Student Glossary – UNIT 2104

Lesson No: 2104 **Tags:** American Language Course, UNIT 2104, Glossary

Training base	پادگان آموزشی	Skip	جا انداختن، انجام ندادن
Situation	وضعیت، موقعیت	Lose	از دست دادن
In regard to	در خصوص، درباره‌ی، عطف به (در نامه نگاری)	Lose weight	لاغر شدن
Require	لازم داشتن، مستلزم بودن	Adjust	تطبیق دادن
Routine	برنامه روزمره، روال همیشگی	Cure	درمان کردن
Mental	ذهنی	What cannot be cured, must be endured.	چیزی که شفاپذیر نیست، صبر می‌خواد.
Mentally	از نظر ذهنی	Check out	بیرون زدن از جایی
Gain weight	چاق شدن، اضافه وزن پیدا کردن	Check out at the headquarters and see the military doctor.	از مقر اصلی پادگان بیرون بیایید و دکتر نظامی را ببینید. [تا شما را معاینه نماید.]
Proper	صحیح، درست	Go away	از بین رفتن
Muscle	ماهیچه	Ailment	بیماری، مریضی
Weak	ضعیف	Immediate	فوری
Phase	مرحله، دوره، فاز	Attention	توجه، اقدام
Effectively	به خوبی، بطور مؤثر	Against	مخالف، بر خلاف
Reaction	عکس العمل	Regulations	مقررات
Even though = although	اگرچه، گرچه	Spoil	فاسد شدن (غذا)
React	واکنش نشان دادن	Poisonous	سمی
Benefit	فایده	Attract	جذب کردن
For the benefit of	به نفع	Insect	حشره
Individual	فرد، شخص	Civilian	غیر نظامی
Stay	ماندن، اقامت، سکون، توقف	On top of	بالای، روی
Weaken	ضعیف کردن	What is on top of the instructor's desk?	روی میز استاد چیه؟
Physically	از نظر فیزیکی، از نظر جسمی	Admire	تحسین کردن، پسندیدن
Check out	امانت گرفتن (کتاب از کتابخانه یا وسایل ورزشی از ورزشگاه و...)	What do you admire in a person?	چه چیزی را شما در یک شخص تحسین می‌کنید؟
Equipment	وسيله، ابزار	Sale	فروش
Athletic (adj)	ورزشی	For sale	فروشی
Gymnasium	باشگاه ورزشی سرپوشیده، تالار ورزشی	Used car	خودرو دست دوم
Regularly	بطور منظم	A couple	چند تا
Push-up	حرکت شنا، یک نوع حرکت ورزشی	Pardon me!	عذر می‌خوام! ببخشید!
Shape	شکل، ریخت، هیأت، قواره	Contact	تماس گرفتن
In shape	سر حال و ورزیده و خوش قواره		
Keep in shape	سر حال و خوش ریخت ماندن		
For the day	در طول روز		



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 2100 – Student Glossary – UNIT 2104

Lesson No: 2104 **Tags:** American Language Course, UNIT 2104, Glossary

In good shape	در وضعیت خوب، خوش بر و رو	We have already made our beds.	ما هم اکنون تختخواب هایمان را مرتب کرده ایم.
Real	واقعی	Lake	دریاچه
Sharp	خوشگل و ترو تمیز، شیک و پیک	Pocket	جیب (لباس)
Plymouth	پلای ماوٹ، یکی از مدل های معروف خودرو ساخت شرکت کرایسلر	Savings account	حساب قرض الحسنه پس انداز
I have a nice '68 Plymouth' that's <u>real sharp</u>.	من یک [خودروی] پلای ماوٹ مدل سال ۱۹۶۸ دارم که واقعاً ترو تمیزه.	Checking account	حساب جاری
Mind	ناراحت شدن، بد آمدن، اهمیت دادن	Amount	مبلغ
Do you mind if I drive it?	اشکالی نداره من به دوری باهاش بزئم؟ برونمش؟	In terms of	درباره ی، در زمینه ی
Recall	به خاطر آوردن	Agreement	توافق
Heat wave	موج هوای گرم	Call up	تلفن زدن
It's not so much the heat.	زیاد [به خاطر] گرما نیست.	Order	ترتیب
Damp	مرطوب، دمناک	Word order	ترتیب [قرار گرفتن] کلمه
Saturation	اشباع شدن، وضعیت اشباع	Attach	ضمیمه کردن، الصاق کردن، پیوست کردن
A bit	یک ذره، یک کم	Attached questions	سوالات ضمیمه یا دنباله های سؤال
The shower didn't help a bit.	باران یک ذره [هم] کمک نکرد. باران اصلاً وضع را بهتر نکرد.	Pier	اسکله
Beak the heat	گرما را از بین بردن	Pair	جفت
It didn't break the heat at all.	آن اصلاً گرما را از بین نبرد.	Bare	لخت، عریان
So	اینطور، اینگونه	Fear	ترسیدن
I certainly hope so.	خدا کنه، یقیناً امیدوارم که اینگونه بشود.	Fair	آب و هوای ملایم
Mill	آسیاب	Steer	هدایت کردن، ناوبری کردن
We live near the mill.	ما نزدیک آسیاب زندگی می کنیم.	Steering wheel	سکان (کشتی)، فرمان خودرو
Deal	معامله	Fur	خز، موی حیوانات
I like the deal.	من این معامله را دوست دارم.	I fear wild animals.	من از حیوانات وحشی می ترسم.
Look at all that.	به همه آنها نگاه کن.	Stir	هم زدن (مانند هم زدن شکر داخل چای)
Ride over here.	رانندگی کن و بیا اینجا.	Dirt	کثیفی، ناپاکی
The rest is for John.	بقیه برای جان است.	There is dirt on the floor.	آشغال و کثیفی روی زمین است.
Mine	از معدن استخراج کردن	The deer is wild.	گوزن وحشی است.
Nickel can be mined.	فلز نیکل می تواند استخراج شود.	Domestic	اهلی
By the way	خوب حالا، با همه این حرفها	The captain steers the boat.	ناخدا قایق را می راند.
Make bed	تختخواب را مرتب کردن	Lumber	الوار، تخته چوب بزرگ
		Your head may hurt.	سر شما ممکن است آسیب ببیند.
		Metal is not mined in this state.	فلز در این ایالت [از معادن] استخراج نمی شود.



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 2100 – Student Glossary – UNIT 2104

Lesson No: 2104

Tags: American Language Course, UNIT 2104, Glossary

Rural روستایی

It is warm in rural areas. در نواحی روستایی هوا گرم است.

Devote تخصیص دادن، تخصیص یافتن

short of فاقد، بدون

I am short of money. من بدون پول هستم. پول ندارم.

Catch گرفتن

On the next corner سر خیابان بعدی

Run آمدن، عبور کردن

How often do the buses run? چند وقت یکبار اتوبوسها [از اینجا] عبور می کنند؟

Run into trouble با اشکال مواجه شدن

Supply ارائه کردن

Propeller ملخ هواپیما و کشتی، پیش ران

Quite کاملاً، زیاد

Distance (n.) فاصله

Distant (adj.) دور

It's quite a distance. خیلی راهه. خیلی دوره

Far دور

It's quite far. خیلی دوره.

Tower برج

Control tower برج کنترل